معادل سازی دو نظام مختلف در روایت تحف؛ عرفان المرء نفسه

شاگرد۲: بنابراین انسان به این خاطر متعجب است که می‌بیند واقعیات چه ارتباطی با هم دارند، درحالی‌که ابتداءً، به ذهن خطور نمی‌کند؟

استاد: و اینکه شما، در یک مناسبت‌هایی، وجوه مختلف یک آیه را می‌فهمید. همین‌جا در همین مباحثه ای در مباحثه مجمع البیان بود. شاید پنج-شش جلسه شده باشد. تحف العقول را آوردیم و حدیثش را خواندیم. هم از تحف خواندیم و هم به صورت تطبیقی، از علل خواندیم. «عرفان المرء نفسه أن يعرفها بأربع طبائع و أربع دعائم و أربعة أركان»[1]. توضیحی که حضرت علیه السلام، برای عالم صغیر و انسان صغیر می‌دهند، برای همه این مباحث، خیلی نافع است. آخر آن حدیث – خیلی تعبیر عجیبی است – حضرت علیه السلام فرمودند: خداوند متعال، در بدن انسان، استخوان قرار داده است: «و العظم في جسده بمنزلة الشجر في الارض». ای تعبیر «و الدم في جسده بمنزلة الماء في الارض و القوام للارض إلا بالماء و القوام لجسد الانسان إلا بالدم. والمخ دسم الدم وزبده. فهكذا الانسان خلق من شأن الدنيا وشأن الآخرة». ملاحظه می‌کنید که در دو نظام، چه جاگذاری‌هایی دارند. دو نظام است که در این روایت شریفه، حضرت علیه السلام، آن دو را معادل هم، جاگذاری می‌کنند. اگر روی اینها تأمل کنید، ملاحظه می‌کنید که در توضیح اینها، بسیاری از نکات هست.

---

[1]. بحرانی، تحف العقول، ج ۱، ص ۳۵۴.

بازبینی #3
ایجاد شده 7 نوامبر 2024 15:29:02 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 نوامبر 2024 10:34:59 توسط ... .